

## بازسازی تکواژ مجهول ساز در گذشته زبان فارسی

مجتبی منشی زاده\*

### I - بیان مسأله

بر اساس همه منابع دستوری زبانهای ایرانی میانه غربی و شرقی، برای بیان مفهوم فعل مجهول سه امکان متفاوت وجود داشت:

الف: پیوستن تکواژ صرفی - *īh* - به ماده مضارع فعل که معمولاً برای ساخت فعل مضارع مجهول و در پارهای از موارد برای فعل ماضی جعلی مجهول به کار می‌رفته است:

- |                |             |
|----------------|-------------|
| 1. Kunīhēd     | "کرده شود"  |
| 2. niwisīhēd   | "نوشته شود" |
| 3. wifrāydaist | "گسترده شد" |

ب - صورت ترکیبی<sup>۱</sup> بن ماضی فعل متعدی با پیوستن صورتهای مختلف - *baw* ، ماده مضارع فعل *būdan*:

- |                 |                |
|-----------------|----------------|
| 1. Kard bawēd   | "کرده شود"     |
| 2. Kard hēm     | "کرده شد"      |
| 3. Kard būd hēm | "کرده شده بود" |

ج - فعل‌های آغازی<sup>۲</sup> ایرانی باستان در فارسی میانه اشکانی و گاهی در فارسی میانه ترفانی برای بیان مفهوم فعل مجهول به کار می‌رفته‌اند:

- |            |                     |
|------------|---------------------|
| 1. āmixsēd | "آمیخته شود"        |
| 2. bōxsēnd | "نجات داده می‌شوند" |

\*عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی .

۱. Periphrastic.

۲. Inchoative.

پرسش اصلی این مقاله آن است که چرا سیر تحول تکواژ مجهول ساز صرفی در زبانهای فارسی باستان و اوستا یعنی تکواژ صرفی - ya - با تکواژ صرفی مجهول ساز دوره میانه - īh - به ظاهر سازگاری ندارد.

## II - پیشنهاد مطالعات

یکی از امکانات بیان مجهول در زبان ایرانی باستان، ساخت صرفی فعل مجهول است. در این ساخت از پیوستن تکواژ تکیه دار - ya - به ریشه فعل، ماده مجهول ساخته می‌شد (کنت، ۱۹۵۳: ۷۳؛ جکسون، ۱۸۹۲: ۱۸۷) و سپس شناسه بدان افزوده می‌گشت مثال:

1. kir + ya + ti "ساخته می‌شود"

2. ni + da + ya + t "نهاده شد"

3. a + Van + ya + t "پیروز شد"

سیر تحول تکواژ مجهول ساز - ya - در دوره میانه با توجه به قواعد حاکم بر تحول واجهای زبان باید به صورت - ī - یا - ē - باشد، اما در غالب آثار زبانشناسان زبانهای ایرانی دوره میانه (از جمله، برویز ۱۹۹۷: ۲۱۲؛ نیبرگ ۱۹۷۴: ۲۸۲؛ آموزگار و فضل‌ی ۱۳۷۳: ۷۰؛ ابوالقاسمی ۱۳۸۱: ۱۶۷؛ راستارگویا، ۱۳۴۷: ۱۷۱) به اتفاق متذکر شده‌اند که ساخت صرفی فعل مجهول، از پیوستن تکواژ - īh - به بن مضارع فعل ساخته می‌شود، مثال:

1. k ēš - īh ! ! ! "آموخته شدن"

2. xwān - īh "خوانده شدن"

## III - تحلیل داده‌ها

ظاهراً، در بروز تکواژ مجهول ساز در بافت‌های زبانی و سیر تحول طبیعی آن تفاوتی مشاهده می‌شود. در واقع، از نظر سیر تحول واجها، تکواژ - ya - زبان ایرانی باستان با پیشین شدگی<sup>۱</sup> یا کامی شدن واکه [a] در مجاورت [y] به صورت / ī / یا / ē / ظاهر می‌شد.

ya > ē > ī

یکی از زبانهای دورهٔ میانه، زبان سغدی است که چنین تحول طبیعی را در بن‌های مجهول فعل نشان می‌دهد:

1. Xwan + ya > xwīn!! ! "خوانده شدن"
2. ā + bṛ + ya > ā Bīr "برده شدن"
3. Pati + šmr + ya > Patšmīr "شمرده شدن"

بنابراین، تکواژ مجهول ساز صرفی در زبانهای ایرانی دوره میانه باید تکواژ -ī - یا -ē - باشد و برای توجیه تفاوت ظاهری یعنی صورت -ā - با صورت -ī - باید به بافت و محیط آوایی آن توجه کرد. یکی از عوامل دخیل در بافت فعل مجهول دورهٔ میانه، شناسه‌های فعلی‌اند که همگی با مصوت آغاز می‌شده‌اند:

#### شناسه‌های فعل مضارع اخباری

فارسی میانه ترفانی و زردشتی			پهلوی اشکانی ترفانی	
مفرد	جمع	مفرد	جمع	
1. ēm	- ēm/um	- ām	- ām	- ām
2. ē(h)	- ēd	- ē(h)	- ēd	- ēd
3. ēd	- ēnd	- ēd	- ēnd	- ēnd

#### شناسه‌های فعل مضارع التزامی

مفرد	جمع
1. ān	- ām
2. āy	- ād
3. ād	- ānd

بدین ترتیب، در تحلیل فعلی صرف شده زیر می‌توان گفت که التقای مصوت‌ها در مرز میان دو تکواژ - بن فعل و تکواژ مجهول ساز - باعث شده که برای جلوگیری از التقای مصوت‌ها، واج میانجی  $h$  / ظاهر شود.

1.  $Kēš + īh + ād$  "آموخته خواهد شد"
2.  $Kirr + īh + ēnd$  ! ! ! "ساخته می‌شوند"
3.  $uz + i + īh + ēd$  ! ! ! "نجات داده می‌شود"

حتی در ساخت افعال ماضی مجهول جعلی (قیاسی) همین پدیده تکرار می‌شده است

1.  $wifrāy - īh + ist$  "گسترده شد"

تکواژهای ماضی ساز  $ist$  - و  $ād$  - و  $īd$  \* \* به اسم وصف و بن مضارع برخی از افعال به صورت قیاسی اضافه شده‌اند.

#### IV - نتیجه

سیر تحول تکواژ صرفی مجهول ساز زبان ایرانی باستان ( $ya$  -) در دوره میانه زبان‌های ایرانی با توجه به قانونمندیهای تحول واجها به صورت  $ī$  - تواند بود، اما بنا به محیط آوایی خاص در مرز میان دو تکواژ ( دو هجا) - التقای مصوتها، این تکواژ با واج میانجی  $h$  / ترکیب شده و به صورت  $īh$  در دوره میانه ظاهر شده است. گرچه در دوره میانه زبان فارسی از نظر سیر تحول تاریخی دو تکواژ به شمار می‌آمده‌اند، اما بنا به ملاحظات زبان‌شناسی همزمانی در دوره میانه باید آن را یک تکواژ مستقل محسوب داشت.

۱. hiatus.

\* \* برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله نگارنده، با عنوان "تکواژ ماضی ساز و گونه‌های آن در زبان فارسی. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۷، شماره ۲۳ بهار و تابستان.

**کتابنامه****منابع و فارسی :**

۱. آموزگار، ژاله - تفضلی، احمد؛ زبان پهلوی ادبیات و دستور آن، نشر معین، تهران ۱۳۷۳.
۲. ابوالقاسمی، محسن؛ دستور تاریخی زبان فارسی، سمت، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱.
۳. ابوالقاسمی؛ ماده‌های فعلهای فارسی دری، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۳.
۴. راستا گویوا، و. س.؛ دستور زبان فارسی میانه؛ ترجمه ولی‌الله شادان؛ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
۵. صادقی، علی‌اشرف؛ تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران، ۱۳۵۷.
۶. قریب، بدرالزمان؛ فرهنگ سغدی، انتشارات فرهنگان، تهران، ۱۳۷۴.

**منابع انگلیسی:**

1. Boyce , M, 9; A Reader in Manichaen Middle Persian and Parthian Acta Iranica, Leiden: 1975.
2. Brunner , C. J. ; A syntax of Western Middle Iranian delmar , U.S.A : 1977.
3. Gershevithch, I ; A Grammar of Manichean sogdian; Oxford : 1954.
4. gharib badresaman; analysis of the verbal system in the sogdian language, u.m.i , u.s.a , 1990.
5. Jackson, A. V. W ., An Avesta Grammar, Stuttgart: 1892.
6. Kent , R. G. ; old Persian; New Haven . Connecticut : 1953.
۷. Nyberg, H. S. ; A Manual of Pahlavi, II; Wiesbaden : 1974.